

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۲، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۴۰-۱۱۷

بادهای کافر و دهل سه سر در خلیج فارس مراسم آیینی درمانی زار

منیژه مقصودی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۳

چکیده

کشور ایران با فرهنگ کهنی بیش از سه هزار سال، قلمرو اقوام گوناگونی با فرهنگ‌های متنوع و غنی از دانش بومی بوده است. با توجه به تنوع اقلیمی و قومی، دانش بومی بسیار کارآمدی در حوزه‌هایی چون شیوه‌های درمان بومی و گیاهان دارویی در ایران به وجود آمده است. این مقاله، بر اساس تحقیق میدانی و اسنادی درباره اقوام ساکن استان هرمزگان در مناطق بندر لنگه، هرمز، میناب و بندرعباس انجام شده است و به بررسی مراسم آیینی درمانی "زار" یا "اهل هوا" می‌پردازد. شناخت اهل هوا، بررسی موقعیت و ویژگی‌های درمانگران بومی این مراسم یعنی "بابازار" و "مامازار"، که به مداوای بیماری‌های می‌پردازند که توسط بادهای نامرئی تسخیر شده‌اند، از جمله اهداف این تحقیق است.

کلید واژگان: اهل هوا، بابازار، جزیره هرمز، درمانگران بومی، قشم، مامازار، هرمزگان.

مقدمه

شیوه‌های درمان‌های بومی متعددی در ایران بومی وجود دارد که هر یک ویژگی‌های فرهنگی اقلیم منطقه خود را دارا هستند. با نگاهی به تنوع درمان‌های بومی متوجه غنای فرهنگی دانش بومی در ایران می‌شویم. به عنوان مثال یکی از متداول‌ترین درمان‌های بومی در میان قوم بلوچ "گواتی" نام دارد که به صورت یکی از آیین‌های کهن در طی مراسمی همراه با موسیقی و حرکات نمایشی اجرا می‌شود. از جمله شیوه‌های متنوع درمان‌های بومی ترکمن‌ها عبارت هستند از: پرخوانی، ایشانی، دامارتوتان، قرخ یاسین و غیره. در میان شیوه‌های نام برده "پرخوانی" از اهمیت بیشتری برخوردار است و تحقیقات بیشتری روی آن انجام شده است (مقصودی، ۲۰۱۳). در میان جنوبی‌های ساکن استان هرمزگان درمانگران با نام‌هایی چون: "بابازار" و "مامازار" یا به عبارتی "اهل هوا" به اجرا مراسم آیینی درمانی می‌پردازند. این مراسم "زار" نام دارد. تنوع شیوه‌های درمان در میان این اقوام حیرت‌انگیز است. ویژگی مشترک بین سه آیین ذکرشده (گواتی، پرخوانی، اهل هوا) ارتباط درمانگران و شیوه درمان آنها با نیروهای ماورائی است.

در این مقاله به بررسی ویژگی‌ها مراسم آیینی درمانی اهل هوا و نیز درمانگران بومی ساکن استان هرمزگان؛ بابازارها و مامازارها می‌پردازیم. در این پژوهش از طریق شرکت در مراسم آیینی زار و با مشاهده عمیق این مراسم به دنبال شناخت عناصری برمی‌آییم که با تأثیرات ژرفی که در بیمار به وجود می‌آورد، سبب شده است این آیین با وجود رشد امکانات و تجهیزات درمان در منطقه همچنان در میان برخی از گروه‌های مردم ماندگار باشد.

این تحقیق با هدف کشف، شناخت و بررسی عمیق ابعاد پنهان این مراسم انجام شده است. با توجه به پیچیدگی پدیده اهل هوا که در عمق لایه‌های فرهنگی این منطقه قرار دارد و به ویژه آنکه در حوزه باورها و اعتقادات شکل قرار می‌گیرد؛ شناخت عمیق و همه‌جانبه‌ای نیاز است تا بتوان به شناختی عمیق از این شیوه آیینی درمانی دست یافت که خود مینیاتوری از فرهنگ غالب در این منطقه است.

مراسم آیینی زار

زار در جنوب ایران رسمی آیینی است که در طی مراسم به درمان بیمار می‌پردازند. در این مراسم تنها یک بیمار حضور دارد و درمانگران متعددی شرکت می‌کنند که با اسامی بابازار و مامازار نامیده می‌شوند. در هر مراسمی تعدادی درمانگر حضور پیدا می‌کنند تا به کمک هم بیمار را درمان کنند. فرض درمانگران بر این است که علت بیماری نفوذ یکی از انواع باد است که در جسم بیمار راه یافته و او را بیمار کرده است. زار به دو معنی است، نخست واژه زار به مراسم آیینی درمانی اطلاق می‌شود و دوم اینکه زار یا باد معادل یکی از انواع باد شناخته می‌شود.

مراسم درمان با اجرا موسیقی همراه است که برای آن ابزارهای گوناگونی استفاده می‌شود و در طی مراسم بابازارها و مامازارها با حرکاتی نشسته یا ایستاده مراسم را برگزار می‌کنند. مراسم از یک روز تا یک هفته ادامه می‌یابد. نشانه درمان بیمار ”به زیر کشیدن“ بادی یا به عبارتی ”رام کردن باد“ است. چنانچه باد به زیر کشیده نشود، بیمار برای همیشه از جامعه طرد می‌شود، گویی که نفرین شده است و باید از او دوری کرد تا آسیبی نرساند.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های متعددی قبل از شروع تحقیق وجود داشت. با خواندن منابع معدود موجود درباره زارهای جنوب و دیدن فیلم باد جن ساخته ناصر تقوایی مسائلی و پرسش‌هایی در ذهن ایجاد شد.

- ۱- شناخت مراسم آیینی زار و تفکیک عناصر تشکیل‌دهنده آن،
- ۲- شناخت درمانگران یا به عبارتی بابازارها و مامازارها،
- ۳- چگونه درمانگر می‌شوند؟
- ۴- درمانگران قدرت درمانگری خود را چگونه به دست می‌آورند؟
- ۵- قدرت آنها بر چه مبنایی تعیین می‌شود؟
- ۶- آیا درمانگران، مقام بابازار یا مامازار را برای همیشه می‌توانند داشته باشند؟
- ۷- وضعیت بیماران پس از درمان چگونه است؟ آیا وابستگی بین بیمار و درمانگر به وجود می‌آید؟

روش‌شناسی

این تحقیق بر اساس بررسی اسناد و مدارک موجود و نیز تحقیق کیفی انجام شده است. در ابتدا بر بررسی کلیه منابع موجود و مشاهده فیلم‌هایی درباره موضوع مورد بررسی پرداختم و به تدریج سؤال‌های متعددی در ذهنم شکل گرفتند و مبنای نوشتن طرح اولیه تحقیق فراهم شد. در تحقیق کیفی با اقامت در میدان تحقیق و استفاده از شیوه‌های گوناگون مشاهده و مصاحبه اطلاعات متعددی جمع‌آوری شد. به این صورت که اولین سفر میدانی را با هدف اکتشاف انجام دادم، میدان‌های تحقیق را یافتم و از میان بندرها و جزایر متعددی که مراسم زار در آنها اجرا می‌شد، چند منطقه انتخاب شد. در این سفر اولیه به طور تصادفی اطلاع‌رسان‌های کلیدی را پیدا کردم و با انجام چند مصاحبه مقدماتی توانستم برای شرکت در مراسم آیینی زار برنامه‌ریزی کنم. به این ترتیب سفرهای متعدد من به جنوب آغاز شد. هر بار شناخت اطلاع‌رسان‌های جدیدی شناخته می‌شد و به دنبال آن به اعتمادسازی و در نهایت شرکت در مراسم زار میسر گردید. در نهایت با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون مصاحبه و مشاهده و خصوصاً مشاهده همراه با مشارکت این تحقیق انجام شد.

معرفی میدان پژوهش

استان هرمزگان که حوزه گسترده اهل هوا است در جنوبی‌ترین نقطه ایران قرار دارد. شهرها، بندرها و جزایر چهارده‌گانه آن مانند قشم، هرمز و ... از جمله مناطقی هستند که مراسم آیینی زار با حضور بابازارها و مامازارها یا به عبارتی درمانگران بومی برای درمان افراد مبتلا به یکی از بادهای جنوب اجرا می‌شود. مناطق انتخاب‌شده برای میدان تحقیق عبارت‌اند از: بندر لنگه، بندرعباس، جزیره هرمز و میناب. این پژوهش میدانی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ انجام شده است. در طول این زمان با رفت‌وآمدهای متعدد به منطقه امکان آشنایی با شرایط موجود، شناخت اطلاع‌رسان‌های کلیدی و بافتن بابازارها و مامازارهایی فراهم شد که حاضر به همکاری با من شدند. شرکت در مراسمی که از صبح تا نیمه‌شب ادامه می‌یابد و چند روز تکرار می‌شود میدان واقعی تحقیق است. حضور در این مراسم پرشور باعث شد که هر یک از حواس پنج‌گانه‌ام به نوعی فعال شوند. تحریک حس شامه به دلیل سوزاندن عودهای متعدد، حس شنوایی به دلیل سازهایی که بدون وقفه نواخته می‌شد و ذکرهای دسته‌جمعی بابازارها و مامازارها، حساس شدن بینایی با مشاهده رنگ‌های متعدد، برانگیخته شدن حس چشایی با خوردن غذای قربانی با مزه‌های عجیب و در نهایت لمس دست‌های یکی از مامازارها شاید نقطه عطف تمام این تجربه‌ها بود. در میدان تحقیق در اوج مراسم من با فعال شدن حواس خود به تجربه‌ای رسیدم که تا آن زمان در هیچ‌یک از اسناد و مدارکی که مطالعه کرده بودم به آن نرسیده بودم.

پیشینه تحقیق در ایران

پژوهش‌های نسبتاً متعددی درباره اهل هوا در جنوب ایران انجام شده است. چند کتاب و مقاله برجسته در ارتباط با این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم. میرچاد الیاده در کتاب شمنیسم اشاره‌ای به شمنیسم در دوران ایران باستان دارد و به باورها و اعتقادات ایرانیان کهن در این مورد می‌پردازد (میرچاد الیاده، ۱۹۷۶: ۱۰). او مستقیماً به زار نمی‌پردازد بلکه به آیین‌های گوناگونی در ایران باستان اشاره می‌کند که به شباهت‌های بسیار آن با مراسم آیین زار در هزاره سوم میلادی در استان هرمزگان، پی می‌بریم و به دلیل این شباهت متوجه ساختار کم و بیش یکسان مراسم آیینی زار با شمنیسم می‌شویم، ساختاری که ویژگی مشترک کلیدی آن در ارتباط با نیروهای ماورائی است. در کتاب دیگر الیاده شمنیسم فنون کهن خلسه (۱۹۷۲)، ساختار آیین شمنیسم در فرهنگ‌های آسیا و آمریکا با ویژگی‌های مشترک میان آنها نشان داده می‌شود. میرچاد الیاده (۱۹۷۶) به فرایند خلسه^۱ در آئین زرتشتی می‌پردازد و در این میان با مروری بر آثار این اندیشمند بار دیگر به شباهت‌های بسیار آن با مراسم آیینی زار واقف می‌شویم.

^۱ transe

اثر غلامحسین ساعدی بنام *اهل هوا* (۱۳۴۵) از معروفترین کتابهایی که تاکنون درباره زار در ایران منتشر شده است. غلامحسین ساعدی، محقق، پزشک و روان‌شناسی است که تحقیقات میدانی گسترده‌ای درباره زارهای جنوب ایران انجام داده است. با وجود گذشت بیش از ۴ دهه از انتشار، این کتاب همچنان یکی از مراجع اصلی در این زمینه است. این کتاب یک تک‌نگاری توصیفی در مورد انواع بادهای، بابازارها و مامازارها و تحقیقی عمیق و همه‌جانبه بر روی ریشه‌های زار و مراسم آن است. ساعدی به تفصیل به انواع بادهای از جمله بادهای زار، نوبان، مشایخ، لیوا، دیو، پری و باد غول می‌پردازد. علاوه بر آن تحقیق عمیق وی بر افراد تسخیرشده توسط یکی از باد، موسیقی، ابزار موسیقی و موجودات نامریی یا نیروهای ماورایی متمرکز است. ساعدی همچون انسان‌شناسی که نگران از بین رفتن این آیین‌ها است، بارها خواننده را ترغیب می‌کند قبل از آنکه چنین آیین‌هایی کم‌رنگ و در نهایت ناپدید شوند، در جهت ثبت و ضبط آن کوشش و آنها را مکتوب کند. هیچ تحقیقی پیرامون زار تا کنون بدون ارجاع به *اهل هوا* منتشر نشده است. ولی متأسفانه اثر ساعدی اولین و آخرین اثر ساعدی درباره زار است و دیگر ادامه نیافت.

کاوه صفا^۱، انسان‌شناس؛ یک فصل از کتاب خود^۲ را به مبحث زار اختصاص داده است که بر اساس تجزیه و تحلیل کتاب ساعدی است. نام این فصل نیز برگرفته از کتاب ساعدی است به نام *کتاب اهل هوا* ساعدی را *بخوانیم*^۳ (۱۹۸۸). کاوه صفا در این فصل به باورهای پیرامون نیروهای تسخیرشده در سواحل جنوب ایران می‌پردازد. وی نیز همچون ساعدی تاریخچه زار را به قرن ۱۷ و ورود تجار آفریقایی به جنوب ایران نسبت می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که مباحث کاوه صفا نه بر اساس تحقیقات میدانی بلکه بر اساس تحلیل عمیق کتاب ساعدی شکل گرفته است. کوشش صفا در جهت مطرح کردن کتاب ساعدی و تحلیل آن بسیار جالب است. نگاه عمیق او خواننده را تا لایه‌های پنهان فرهنگی می‌برد و او را با جهان بادهای بیشتر آشنا می‌کند، خصوصاً برای خواننده‌های غیرفارسی‌زبان.

پایان‌نامه‌هایی با موضوع اهل هوا در چند دهه اخیر از دیگر منابع موجود هستند. شهریار جعفری در پایان‌نامه خود به نام پتورک (۱۳۷۸) به توصیف مراسم آیینی زار می‌پردازد. در این تحقیق که به صورت میدانی انجام شده است او تمام ابزارهای مورد استفاده در این مراسم را تفکیک می‌کند. محقق در این پایان‌نامه شرح حال سرشناس‌ترین و مشهورترین بادهای را بازگو می‌کند و از میان آنها ۹ نوع باد را با تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. سپس وی به توصیف عمیق یکی از مراسم زار می‌پردازد. او قصه‌ها، ترانه‌ها و اشعاری که در حین اجرای مراسم می‌خوانند را ریشه‌یابی می‌کند. شرح دقیق هر یک از ابزارهای مورد استفاده در مراسم زار یکی از

¹ Kaveh, Safa

² Cultural Anthropology

³ reading Saedi' Ahl-e- Hava

بخش‌های قوی این تحقیق است. شهریار جعفری به مجموع واژه‌ها و اصطلاحاتی مورد استفاده را نیز بررسی می‌کند. در این تحقیق نیز ریشه زار به قرن ۱۷ میلادی ارجاع داده شده است؛ بنابراین بخش تاریخی همان تکرار نقل‌قول‌های ساعدی است بدون کوچک‌ترین کوششی در جهت گسترش و پویایی آن. شهریار جعفری فیلم مستندی در سال ۱۳۷۸ ساخته است که به مقایسه مراسم زار در دو مقطع زمانی بر مبنای فیلم جن ساخته ناصر تقوایی می‌پردازد. جعفری با پخش فیلم خود و فیلم ناصر تقوایی دگرگونی مراسم زار در طی چهار دهه را بررسی می‌کند. پایان‌نامه آتیه عارف‌پور بررسی انسان‌شناختی کیش باد انگاری اهل هوا (۱۳۸۷) تحقیقی میدانی در خصوص زارهای جنوب ایران است که به مسائل گوناگونی اشاره دارد، از جمله: شناخت بابازارها و مامازارها، بررسی ویژگی بادها و علائم نفوذشان در بیماران، توصیف مراسم بادزدایی و شناخت عناصر درمانی با تأکید بر تأثیر موسیقی در درمان امراض روانی. در این منبع نیز قرن ۱۷ میلادی مقطع ورود آیین زار به ایران و از جانب تجار آفریقایی نسبت داده شده است، با تکرار همان منابع که ساعدی ذکر کرده است.

علی ریاحی در *زار و باد بلوچ* (۱۳۵۶) انواع زارهای بزرگ، بادها، مشایخ و جن در میان بلوچ‌ها را توصیف می‌کند. تأکید او بر این نکته است که در ذهنیت بلوچ‌ها، چنین تفکیکی وجود دارد. ریاحی اشاره می‌کند که این آیین در میان بلوچ‌ها در مراسم ازدواج، جشن‌های بزرگ، ختنه‌سوران و مراسم عزاداری اجرا می‌شود.

ژان دورینگ محقق انسان‌شناس فرانسوی کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در این زمینه دارد. ژان دورینگ درباره آیین درمانی در میان بلوچ‌ها به نام گواتی تحقیقات متعددی انجام داده است.

مطالعه و بررسی دو آیین زار و گواتی نشان می‌دهد که شباهت‌های بسیار بنیادی میان این دو آیین وجود دارد. یکی از تفاوت‌های عمده در رابطه با وجود موسیقی به عنوان یکی از ارکان اصلی دو آیین زار و گواتی است. قابل ذکر است که زار منحصر به ایران نیست، بلکه در کشورهای آفریقا از جمله حبشه، مصر، سودان، اقوام مسلمان هوسا در آفریقای غربی و قبایل سداسو در جنوب حبشه وجود دارد (ساعدی، ۱۳۴۵: ۴۸). میشل لوریس در سال ۱۹۳۸ و ۱۹۵۸ و نیز ماکسیم رودنسون در سال ۱۹۶۷ در مورد زارهای حبشه تحقیق نموده‌اند. اعتقاد به روح‌پنداری یا اعتقاد به روح باد یا جن باد و تسخیر روح یا جن، از زمان‌های بسیار دور و جان‌نگاری در جامعه‌های ابتدایی وجود داشته است و هنوز هم در میان بسیاری از اقوام سرزمین‌های آسیایی، آفریقایی، اروپایی و مردم سرخپوست امریکا بازمانده است (بلوکباشی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی).

در مورد تاریخچه زار، اهل هوا یا درمانگران یا دهل‌نوازان که به آنها سیاهان یا آفریقایی تبارهای بندری می‌گویند، نقطه نظرات متعددی وجود دارد که هر یک ویژگی تاریخی خاصی را

بیان می‌کند. تا کنون یک نظریه منسجم در مورد ریشه تاریخی زارهای خلیج فارس به دست نیامده است. فرضیه‌های گوناگون و گاه شبیه به هم و گاه بسیار دور از هم در این مورد وجود دارد؛ بنابراین ریشه تاریخی مراسم زار، خاستگاه قومی سیاه‌های جنوب و یا آفریقایی تبارهای بندر و نیز شیوه رسیدن به وجد در میان آنها همچنان در پس هاله‌ای از ابهام باقی است.

نظریه‌هایی پیرامون زار

ژان دورینگ انسان‌شناس فرانسوی نظریه خود را در رابطه با ریشه تاریخی زارها و این آیین را نه به صورت یک مسئله قطعی بلکه به صورت طرح مسئله و با چندین فرضیه احتمالی مطرح می‌کند. از آنجا که او مراسم زار را پر تأثیر بر مراسم گواتی - دمالی می‌داند، چنین استدلال می‌کند:

”برخی افراد تحصیل کرده گمان می‌کنند آیین گواتی و نیز آوازهای آن، از فرهنگ آفریقایی به عاریت گرفته شده است، اما استدلال مخالف این فرضیه - که اغلب بلوچی‌های داخل کشور هم آن را مردود می‌دانند- این است که این آیین در سراسر کشور رواج دارد؛ و مثل ”لوا“ فقط محدود به جاهایی که با اقوام تانزانایی در تماس بوده‌اند نیست“ (دورینگ، ۱۳۸۹: ۳۸).

مراسم آیینی زار محدود به بندرعباس نمی‌شود و در سایر کشورها نیز اجرا می‌شود. ژان دورینگ با پیشینه تحقیقات گسترده بر حوزه اتنوموزیکولوژی^۱، در رابطه با ریشه‌یابی مراسم آیینی زار چنین اشاره می‌کند:

”زار را نباید با دیگر آیین‌های مربوط به وجد اشتباه کرد: مثل گواتی یا دمالی که به شکل‌های گوناگون در سراسر مکران (جنوب بلوچستان)، سند و بین برخی از ایل‌های شمال بلوچستان رواج دارد. حتی اگر بر تفاوت‌ها تأکید بگذاریم، باز نمی‌توان منکر تأثیر زار یا هر آیین مشابه دیگری بر گواتی - دمالی شد؛ بنابراین گاهی گفته می‌شود که ارواح خبیثه گوات از افریقا یا کرانه‌های عرب‌نشین خلیج فارس، به خصوص مسقط، می‌آیند (ناحیه‌ای که به خاطر سحر و جادوی رایج در آن بیش از همه خوف و وحشت ایجاد می‌کند). این نقاط مشترک، در کنار این واقعیت که خلیفه یا اداره‌کننده گواتی - دمالی اغلب اصلیت آفریقایی دارد، فرضیه

¹ Ethnomusicology

تأثیر آفریقایی‌ها را بر مراسم گواتی - دمالی که مردم محلی آن را "بلوچی خالص" می‌دانند، توجیه می‌کند" (دورینگ، ۱۳۸۹: ۳۸).

برخی دیگر از پژوهشگران با بررسی در سایر اقوام آفریقایی به منظور یافتن ریشه‌های مراسم زار و خاستگاه سیاه‌های بندرعباس چنین اشاره می‌کنند:

"در نواحی اطراف خلیج فارس و دریای عمان، آیین‌هایی همراه با و جد با منشأ آفریقایی پراکنده‌اند. نوع سومالیایی مراسم زار هم در قاهره و هم در جنوب خوزستان و کرانه‌های ساحلی بلوچستان اجرا می‌شود. سازهای اصیلی همچون طبل‌های پایه‌بلند در اندازه‌های گوناگون و لیر آفریقایی یا تنبوره مورد استفاده قرار می‌گیرند" (Scheherazade 1980).

اجرا شدن مراسم زار در نقاط مختلفی مانند بندرعباس و چابهار ایران و نیز در میان برخی قبایل آفریقایی نشان می‌دهد این آیین مختص به یک منطقه یا فرهنگ خاص نیست بلکه در اثر اشاعه فرهنگی در نقاط مختلف از شمال آفریقا تا جنوب ایران و سپس غرب ایران پراکنده شده است. ژان دورینگ و میرچاد الیاده نظریه‌هایی در مورد تاریخچه زار و اداره‌کنندگان این مراسم به نام بابازار و مامازار مطرح کرده‌اند که در این مقاله تنها به سه فرضیه اول که متعلق به ژان دورینگ است، می‌پردازیم. دورینگ در اولین فرضیه خود می‌گوید:

"قوم بلوچ طی مهاجرتشان از غرب به شرق، گروه‌های قومی متعددی را جذب کردند، برون‌زاده‌ترین عناصر در این روند جذب و ترکیب، آفریقایی‌هایی بودند که امروزه به تعداد زیاد به خصوص در کراچی زندگی می‌کنند. این آفریقایی‌ها چنان خود را خوب با محیط وفق دادند که قوم بلوچ اغلب خاستگاه بیگانه آن را انکار می‌کند. می‌گویند بلوچ‌ها از روزگاری نامعلوم در زنگبار و تانزانیا ساکن بوده‌اند و نوادگانشان با تأثیرهای جسمانی و فرهنگی کسب‌شده از این اقامت موقت به وطن بازگشته‌اند. آنها رسوم، سرودها و رقص‌های غربی با خود آوردند و فقط به زبان تانزانیایی حرف می‌زدند. چنین توضیحاتی حکایت از توانایی بلوچ‌ها در سازگاری با انواع و اقسام گروه‌های قومی با اصالت‌های مختلف (براهوتی، سندی، مکرانی، جات و غیره) و از هر نژاد دارد که با پذیرش عناصر فرهنگی این قوم‌ها نیز همراه است. آنها گاهی بدشان نمی‌آید فراموش کنند که نوادگانی از برده‌ها هم در میانشان هست اما هرگز به منشأ آفریقایی برخی سنت‌های خود بی‌توجهی نمی‌کنند، نکته‌ای که به خصوص در دو مراسم موسیقایی زار و لوا نمودی آشکار دارد" (دورینگ، ۱۳۸۸: ۳۷).

فرضیه دوم ژان دورینگ نقطه مقابل فرضیه اول او قرار دارد. این فرضیه که بیشتر مورد تائید برخی افراد تحصیل کرده است استدلال می‌کند که سیاه‌های بلوچستان و نیز بندرعباس بنا بر شرایطی خاص از شرق به غرب یا به عبارتی از شرق به آفریقا مهاجرت کردند و پس از مدتی دوباره به شرق بازگشتند، در این رفت و بازگشت‌ها آنها برخی از سنت‌های آفریقایی‌ها را از جمله ابزار و آلات موسیقی با خود آوردند، این ابزار در مراسم زار و گواتی - دمالی در خصوصاً سبک‌ها و ریتم‌ها و نیز ابزار موسیقی قابل تشخیص است. این نظریه تأکید بر غیر آفریقایی بودن سیاه‌های بلوچستان و بندرعباس دارد (همان).

فرضیه سوم ژان دورینگ بر این نظریه تأکید دارد که تجار ایرانی که در بازگشت از آفریقا با خود برده‌های سیاه را آوردند و آنها به تدریج جذب فرهنگ جنوب شدند. آنها با خود آیین و مناسکی را آوردند که کاملاً ویژگی جامعه آفریقایی است. از جمله این آیین‌ها زار و گواتی - دمالی قابل ذکر است (همان).

فرضیه چهارم نقطه‌نظر میرچاد الیاده است. او بر این باور تأکید دارد که بر اساس اسناد و مدارک موجود نمی‌توان ریشه زار را به اقوام آفریقایی نسبت داد؛ زیرا زار ریشه در آیین شمنیسم دارد که یکی از کهن‌ترین باورها و اعتقادات باستانی است (میرچاد الیاده، ۱۹۸۸).

علی‌رغم اختلاف فاحش میان این فرضیه‌ها نمی‌توان منکر تأثیر فرهنگ آفریقایی در این مراسم شد؛ که در تک‌تک ابزار مربوط به مراسم زار و گواتی - دمالی، به ویژه در ریتم‌ها و سبک موسیقی تأثیر و حضور فرهنگ آفریقایی قابل مشاهده است. باید اضافه کنم که به نظر من آنچه در تحقیقات انسان‌شناختی اهمیت دارد این است که سؤال‌های تحقیق مطرح شود و نه آنکه با تعجیل در جهت اثبات آن برآییم، بلکه این سؤال‌ها می‌تواند بدون پاسخ باقی بمانند و ذهن محقق را در جهت جستجوی بیشتر با خود به عمق تحقیق و لایه‌های ژرف‌تر بکشاند. مسئله کلیدی مهم این است که سؤال‌های تحقیق و فرضیه‌هایی که ذهن محقق را به خود مشغول کرده است، آن‌چنان جذاب باشد که محقق بتواند با شور و شوق تحقیق را ادامه دهد و نه آنکه با ساده‌نگری، با یافتن توجیه‌های سریع برای سؤال‌های تحقیق، با تکرار پاسخ‌هایی که دیگران داده‌اند؛ تحقیق را نهایی انگارد.

مراسم آیینی زار

مراسم آیینی زار در کشورهای مسلمان و عرب آفریقایی از جمله در مصر و علاوه بر آن در سومالی، حبشه و نیز در جنوب خوزستان، کرانه‌های ساحلی بلوچستان (فقط در چابهار) و کراچی اجرا می‌شود. آیین زار در بلوچستان تنها در دو شهر ساحلی چابهار و کراچی متداول است؛ دو شهری که با وجود فاصله زیادشان از یکدیگر خصوصیات فرهنگی نزدیکی دارند. (دورینگ، ۱۹۸۸: ۲۰). درمانگران یا برگزارکنندگان مراسم که به "خلیفه" مشهور هستند، اغلب

تبار آفریقایی دارند. این نکته تأثیر آفریقایی‌ها بر مراسم زار را تأیید می‌کند. برخی کلمات که به صورت آواز دسته‌جمعی اجرا می‌شود، کلماتی آفریقایی با معانی نامعلوم هستند. ریاحی در این مورد اظهار می‌کند که: اسامی که به بادها اطلاق می‌شود، ریشه قومی آنها را مشخص می‌کند، مانند هویان که واژه‌های سومالیایی یا کنگویی است، یوسف و ربیو واژه‌های عربی است و میاسا، کت میری، متری و نوبان ترکیبی از اسامی عرب و آفریقایی هستند. ریاحی اشاره می‌کند که سیاه‌پوستان عرب زارها را ارواح مسلمان می‌دانند. در اسلام این عقیده هست که جن‌ها نیز چون آدمیان پیرو دین هستند.

پرسش مهم این است که زار یا باد چه معنی و مفهومی برای اهالی هرمزگان دارد؟ واژه

زار برای اهالی جنوب ایران دارای دو معنی است:

۱ - واژه زار به مراسم آئینی درمانی اطلاق می‌شود؛

۲ - زار واژه‌ای است عمومی برای روح‌های تسخیرشده که با واژه زار و یا باد شناخته

می‌شود.

آیین زار، مراسمی است درمانی، موسیقایی و نمایشی که در استان هرمزگان در شهرها، بندرها و جزایر چهارده‌گانه آن به منظور درمان بیماران روحی - روانی، دارای مشکلات جسمی و نیز مشکلات جسمی - روانی اجرا می‌شود. بر طبق اظهارات درمانگران، در طول نمایش نیروهای ماورایی که علت برخی از ناهماهنگی‌ها در بدن بیمار است و تعادل شخص را برهم زده و او را بیمار کرده است به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهند. در مراسم آئینی زار نیروهای ماورایی دفع می‌شوند و تعادل و صلح به شخص بازمی‌گردد.

بادها از ویژگی‌های مهم و کلیدی در رابطه با این مسئله هستند، برخی از بادها انسان را تسخیر می‌کنند و برخی دیگر تسخیر نمی‌کنند. اسناد موجود و نیز مصاحبه‌های انجام‌شده گواهی می‌دهند که تعداد بادها در جنوب ایران بسیار است. برخی از ۷۲ باد نام می‌برند و برخی تعداد آنها را کمتر و یا بیشتر می‌دانند. از جمله بادهای مشهور که در اغلب منابع به آنها اشاره شده است عبارت هستند از: باد زار، نوبان، مشایخ، باد جن، باد پری، باد دیو و باد غول. هر یک از این بادها خود به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شوند. به طور مثال بادهای متوری، شیخ سنگر، دینگ مارو، ام گاره، بومیوم، چین یاسه، په په، دای کتو، بوجمیه، بابابور، نمرو، تقووری و قصاص؛ تقسیم‌بندی درونی باد زار هستند.

این اسامی از کجا ناشی می‌شوند؟ چه اطلاعاتی از این اسامی به دست می‌آید؟ خصوصیات و ویژگی‌های بادها از همین نام‌گذاری قابل شناخت است. هر یک از اسامی واژه‌های هندی، عربی، آفریقایی و یا عرب و آفریقایی هستند که دلالت بر ریشه قومی بادها و زارها دارد؛ بنابراین هر باد ریشه قومی مشخصی دارد، هر قومی مذهب خود را دارد و علاوه بر آن هر قومی زبان خود را دارد، به همین دلیل بادها از نظر قومی به بادهای عرب، ایرانی، آفریقایی و هندی

تقسیم می‌شوند؛ مثلاً باد مشایخ و نوبان عرب و باد زار آفریقایی است. از نظر مذهبی بادهای یا مسلمان و یا کافر هستند، بادهای نوبان و مشایخ، مسلمان و بادهای زار، دیو و غول کافر محسوب می‌شوند. بادهای کافر مانند دیو با ویژگی‌های خطرناک، آزاری و قوی بودن شناخته می‌شوند. جنوبی‌ها بادهای کافر را "باد سرخ" نیز می‌نامند. درجه خشونت و سببیت بادهای در رابطه با مسلمان بودن و یا کافر بودن آنها است، از این رو خطرناک‌ترین بادهای کافر هستند. برخی از این بادهای در دورانی بیشتر و در دورانی کمتر در زندگی مردم حضور دارند مثلاً باد نوبان در گذشته بیشتر از زمان کنونی بوده است.

بادهای دارای ویژگی‌هایی نزدیک خصوصیات انسان نزدیک هستند. بادهای یا مذکر و یا مونث هستند. بادهای بر اساس ابزارهای موسیقی، رایحه‌های مورد استفاده، رنگ مورد نظر، غذاهای مورد توجه تقسیم می‌شوند، علاوه بر آن در گروه‌های سنی مختلفی نیز قرار می‌گیرند. بادهای بر اساس قدرت و کارکردی نیز تفکیک پذیرند. از جمله خصوصیات کلیدی بادهای تسخیر انسان است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های باد محسوب می‌شود. قابل تأکید است که برخی از بادهای انسان را تسخیر می‌کنند و برخی دیگر فاقد این قدرت هستند. بادهای زار، مشایخ، نوبان، جن و لیوان انسان را تسخیر می‌کنند، ولی بادهای پری، دیو و غول قادر به تسخیر انسان نیستند.

ساختار اغلب آیین‌های درمانی زار به یک صورت است که شباهت‌های بسیاری با آیین شمنیسم دارد. در این ساختار ۴ عامل نقش کلیدی دارند:

- ۱ - وجود بیمار روحی - روانی - جسمی که نیاز به درمان دارد. وجود بیمار است که موجب اجرای آیین زار می‌شود. اگر بیمار نباشد، مراسمی هم اجرا نمی‌شود؛
- ۲ - وجود ارواح یا نیروهای ماورائی که وارد بدن شخص شده‌اند و عدم تعادل را در بدن او به صورت بیماری‌های روحی - روانی و جسمی به وجود می‌آورند؛
- ۳ - درمانگری که دارای توانایی ارتباط با نیروهای ماورائی باشد و نیز دارای قدرت رام کردن نیروهای ماورائی که بیماری را سبب شده‌اند؛
- ۴ - موسیقی با ابزار و آلات متفاوت.

این ۴ عامل ساختار مراسم آیینی زار را تشکیل می‌دهند. قابل تأکید است که چهار عامل گفته شده از اجزای کلیدی اجرای مراسم شمنیسم نیز هستند. هر یک از این عوامل از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است و هر یک از آنها ویژگی‌های خاص فرهنگی منطقه خود را دارند.

تقسیم‌بندی زار

زارها موجودات ماورایی و یا موجودات نامرئی هستند که بر اساس قدرت، نفوذ، ویژگی‌ها و خصوصیات که دارند در غالب ۸ گروه قرار می‌گیرند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۵۰). ریاحی بادهای

بلوچستان را به ۵ گروه تقسیم می‌کند (ریاحی، ۱۳۴۵: ۳). مردم بنا بر شناخت و تجربه‌های خود در طی سال‌ها در هر گروه بادهای متعددی با نام‌های خاص می‌شناسند. به عنوان مثال بلوچ‌ها ۱۵ نوع باد زار، ۵ نوع باد جن، ۲۲ نوع باد مشایخ و ۲ نوع دیو سپید و سیاه می‌شناسند. درحالی‌که مردم سواحل خلیج فارس بیش از ۷۲ نوع باد زار می‌شناسند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۶۳، ۶۲، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۹۱).

مردم سواحل خلیج فارس یا جنوبی‌ها به طور کلی برای تمام موجودات نامرئی یا به عبارتی دیگر برای تمام نیروهای ماورائی که انسان را تسخیر می‌کنند، واژه باد را به کار می‌برند. همان‌طور که در بالا اشاره شد، از میان ۸ تقسیم‌بندی ارائه‌شده برای موجودات ماورائی، بر اساس باورها و اعتقادات جنوبی‌ها، برخی از این موجودات نامرئی انسان را تسخیر می‌کنند و برخی دیگر انسان را تسخیر نمی‌کنند. بنابراین تفاوت آیین زار در جزایر و شهرهای مختلف جنوب ایران از همین تقسیم‌بندی موجودات نامرئی آغاز می‌شود.

خصوصیات و ویژگی‌های زار

مصاحبه‌های انجام‌شده با بابازارها، مامازارها و بیماران نشان می‌دهد که مریدان بابازارها و مامازارها، دارای یک زندگی مجازی و یک زندگی عادی و غیرمجازی هستند. زندگی عادی و روزمره آنها مانند تمام انسان‌ها شامل فعالیت‌هایی جهت امرامعاش، تولید و ارتباط با پدیده‌های قابل لمس است و زندگی مجازی آنها زندگی است که در ذهنیت، تفکرات، تخیلات و خواب‌های آنها می‌گذرد که این زندگی ساخته‌وپرداخته ذهن، نامرئی و با پدیده‌های غیرقابل مشاهده است. این زندگی با باد است به بیان دیگر زندگی با زار و زندگی با نیروهای ماورائی و غیر قابل رویت برای دیگران. این مریدان، همان‌گونه که با بستگان خود زندگی می‌کنند با باد هم زندگی می‌کنند. حضور باد آن‌چنان برای آنها محسوس است که می‌توانند خصوصیات هر یک از بادها را در رابطه با قومیت، زبان، مذهب، سلیقه‌های گوناگون، انواع ابزارهای موسیقی و رایحه‌ها و رنگ‌ها و برخی اشیاء دیگر از هم تفکیک و به گروه‌های متعددی تقسیم کنند.

”پس از شرکت در یکی از مراسم زار که به دعوت یکی از مامازارها به نام فاطمه در بندر لنگه اجرا شده بود، از من دعوت کردند که شب را در منزل دختر فاطمه مامازار بمانم. مادر او یکی از مشهورترین و قوی‌ترین مامازارهای جزیره محسوب می‌شد. در طی مجلس زار که از صبح شروع شده بود و تا ساعت ۵ عصر ادامه داشت مامازار فاطمه به عنوان یکی از ۱۵ مامازار در اجرای مراسم نقش داشت. کارهایی مانند توجه به افرادی که ”بادشان بلند” می‌شد و او با انداختن پارچه‌ای رنگین روی سر آنها و گرفتن بخوردان زیر بینی آنها کمک به ”زیر کشیدن“ (رام کردن باد) زار او می‌کرد. در طی مراسم او در کنار من نشسته بود، او برای کمک

در اتاق در حرکت بود. پس از مراسم به خانه او رفتیم تا شب را در آنجا بمانیم. دختران و نوه‌هایش همگی در آنجا بودند، شام خوردیم و تلویزیون با صدای بلند، سنگینی مجلس زار صبح را می‌شکست. ماما زار فاطمه در گوشه‌ای چمباتمه زده بود و پک‌های عیقمی به قلیان می‌زد. صدای موسیقی، خنده آنها، زنگ تلفن همراه، هوای خفه اتاق، جر و بحث دخترها بر سر عوض کردن کانال ماهواره و نگاه مبهوت ماما زار هم درهم‌پیچیده بود که ناگهان دختر ماما زار فاطمه با نگاهی همه را به سکوت دعوت کرد، صدای موسیقی را قطع کرد، بچه‌ها را به اتاق دیگری راند و قلیان را از دست مادرش گرفت و بالای سر او ایستاد و شانه‌های او را به آرامی نوازش کرد. در این لحظه متوجه تغییر حالت ماما زار شدم که چگونه در سکوتی سنگین فرو رفته بود. ماما زار وجود دیگری شده بود، او همچون میخی بر زمین فرو رفته بود. به سختی نفس می‌کشید. دخترش به من نگاهی کرد و گفت ”زار او بلند شده“. در مجلس امروز زار او بلند نشد ولی همین حالا زار او بلند شده. ماما زار فاطمه هیچ حرکتی نداشت در بهت سنگینی فرورفته بود. صدایی از او بر نمی‌آمد که ناگهان آرام و با صدایی آهسته ولی صدایی مردانه، کلفت، آمرانه و خشمگین شروع به حرف زدن کرد، رفته رفته صدایش بلندتر می‌شد. او به زبان عربی حرف می‌زد. در این لحظات دخترش که کاملاً ترسیده بود، پشت او را نوازش می‌کرد و آرام در گوش او با مهر و محبت مادر جان مادر جان می‌گفت و نه حرف دیگری. در این لحظه بود که دیدم زار این ماما زار چگونه بلند شده است و به زبان دیگری حرف می‌زند. در این لحظات بود که می‌دیدم این ماما زار فاطمه دیگر نیست بلکه این زار او است که هست. زار او مردی عرب، کهن‌سال و خشمگین است. ترس را در چشمان همه آنها می‌دیدم. علی‌رغم آنکه همه آنها از وجود زار با اطلاع بودند، دلیل ترس آنها را متوجه نمی‌شدم، البته نمی‌خواستم بلافاصله برای آن دلایلی بیاورم و آن را توجیه کنم، ترجیح می‌دادم که در این ابهام باقی بمانم و آن را بیشتر لمس کنم. ماما زار فاطمه حدود یک ساعت تبدیل به یک مرد خشمگین کهن‌سال عرب شده بود و با صدایی بلند حرف می‌زد. تمام کسانی که در اتاق بودند و شاهد تغییر حالت ماما زار فاطمه بودند وحشت‌زده و نگران بودند و دختر بزرگ سعی می‌کرد که او را از این حالت درآورد. ماندن در این حالت چه پیامدهایی می‌توانست داشته باشد؟ وحشت آنها از چه بود؟ ترس از خشونت بود یا علت دیگری داشت؟ سؤال‌هایی که ذهن مرا به خود مشغول کرده بود. پس از گذشت یک ساعت، به یک باره گویی ماما زار فاطمه تهی شد. او سرش را پایین انداخت و سرفه‌ای کرد و نگاهش بسیار غمگین و درمانده بود. با دست اشاره‌ای به قلیان کرد که برایش آوردند و شروع کرد به پک زدن‌های عمیق. کم کم وضعیت به حالت قبل برگشت، موسیقی بر پا شد، تلفن‌های همراه روشن شد، جروبحث‌ها شروع شد، انگار اتفاقی نیفتاده بود. درباره این موضوع هیچ‌کس حرف نمی‌زد و

هیچ اشاره‌ای به مامازار فاطمه نمی‌کرد. او به دخترش گفت که لباسش را برای فردا آماده کند که باید در مجلس سنگینی که قرار است در کیش برگزار شود، شرکت کند. از او درباره مجلس کیش پرسیدم و از او خواستم که من هم شرکت کنم، به من گفت: دخترم این مجلس برای تو بسیار سنگین است. او گفت که خدا نکند برای کسی از این مجلس‌ها بگیرند“ (مصاحبه انجام‌شده توسط نویسنده / بندر لنگه/ اسفند ۱۳۹۱).

یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که هرگاه فردی دچار یکی از انواع باد شود و پس از اجرای مراسم حالش بهبود یابد، او برای همیشه جزء گروه زار درمی‌آید و از حمایت ”بابازار“ و ”مامازار“ برخوردار می‌گردد. به این معنی که وی بازگشت‌ناپذیر است و او همیشه اسیر و در بند باد است. باد گاهی درخواست‌هایی دارد که او باید به آنها تن دهد، از سویی او سرسپرده باد می‌شود و از سوی دیگر اسیر باد است و این شروع یک زندگی مجازی است. برای او انتخابی وجود ندارد، او باید با باد یک زندگی مجازی را آغاز کند. باد او را به جایی که می‌خواهد می‌برد، زیرا او سرسپرده است و اطاعت و ویژگی سرسپردگی است؛ بنابراین هر فردی که دچار بیماری شود و برایش مراسم زار برپا کنند و در این مراسم باد او رام شود، خود او نیز دارای یک زار می‌شود و در مراسم او را دعوت می‌کنند که در کنار سایر بابازارها و مامازارها شرکت کند.

تسخیرشدگی

تسخیر شدن انسان توسط باد در شرایط خاصی اتفاق می‌افتد. به دلیل ویژگی‌های متفاوت بادها فرایند تسخیر کردن انسان نیز متفاوت است و از بادی به باد دیگر فرق می‌کند. به جرات می‌توان گفت که هر یک از بادها به شیوه خاص خود انسان را تسخیر می‌کنند و گاه نیز تسخیر نمی‌کنند؛ بنابراین هر بادی به دلایل گوناگونی که خصوصیات باد را تعیین می‌کند، روش خاصی برای تسخیر دارد.

تسخیرشدگی می‌تواند به صورت غیرارادی و تحمیلی باشد. علائم تسخیرشدگی در رابطه با نوع باد تفاوت می‌باید به طور مثال تسخیرشدگی توسط جن با تسخیرشدگی توسط زار کاملاً متفاوت است و نشانه‌های متمایزی نیز دارد. فصل مشترک میان تمام بادها دچار شدن به بیماری جسمی - روحی و از بین رفتن تعادل روحی - روانی شخص در پی تسخیرشدگی است. هنگامی که باد انسان را تسخیر می‌کند و او را به بیماری روحی - روانی و یا جسمانی مبتلا کند، از شواهد و آثار بیماری متوجه می‌شوند که انسان تسخیرشده است، باید برای شخص تسخیرشده مراسم برپا کنند تا از بیماری رها شود. با توجه به نوع باد مراسمی که اجرا می‌شود نیز متفاوت است. به طور کلی مراسم به چهار صورت است.

- ۱ - مجلس زار سبک که در آن بیمار و سایر شرکت‌کنندگان به نوعی به تجربه وجد آزادکننده می‌رسند.
 - ۲ - مجلس زار عادی به منظور پیش‌گیری از حمله‌های ناگهانی بادها، این مجلس همچون مجلس اول بیش از چند ساعت طول نمی‌کشد که معمولاً در شب اجرا می‌شود.
 - ۳ - مجلس زار با هدف برقراری دوستی و اتحاد با بادی که شخص را تسخیر کرده است.
 - ۴ - چهارمین نوع مجلس زار با هدف دفع نیروهای شر و دفع باد است.
- مجلس نوع سوم با هدف دوستی و اتحاد با باد مراسمی بسیار سنگین است. این مجلس از سه روز تا یک هفته طول می‌کشد و پس از به رقص درآمدن بیمار و همراهان و اجراکنندگان مراسم که به منظور اعلام دوستی باد با سایر بادها است، مجلس پایان می‌یابد. از این به بعد شخص بیمار و به عبارتی شخص تسخیرشده در جرگه اهل هوا درمی‌آید. باد او با او صلح می‌کند. در مواردی امکان دارد که باد به هیچ وجه از در آشتی در نیاید و همواره با کینه‌توزی به اذیت و آزار شخص بپردازد و او را همچنان بیمارتر و زارتر کند، در این صورت اگر پس از چند روز که پاسخی از باد شنیده نشد و به عبارتی دیگر بیمار در مجلس به حرکات رقص‌وار در نیامد، اعلام می‌کنند که این فرد درمان‌ناپذیر است و او برای همیشه از گروه آنها و از خانواده خود طرد می‌شود و به کوه و صحرا پناه می‌برد. هیچ‌کس به او نزدیک نمی‌شود و همه از او دوری می‌کنند و جز افراد نحس و بدیمن درمی‌آید؛ بنابراین اجرا مراسم برای فردی که توسط باد تسخیرشده است همیشه عاقبت خوبی ندارد، زیرا ترس از آنکه باد اعلام دوستی نکند و به اصطلاح باد به زیر نیاید همواره وجود دارد، ترس از طرد شدن و پیوستن به گروه طردشدگان از جمله نگرانی‌هایی است که هر بابازار یا مامازاری آن را تجربه می‌کند. بابازار یا مامازار مشهور و پرآوازه‌ای که بیش از ده باد را به زیر کشیده است و شهرتش تا آن سر بندر پیچیده چنانچه توسط بادی تسخیر شود و در مجلس نتوانند باد را به زیر بکشند یک‌شبه تبدیل به فردی طردشده می‌شود و همه را از دست می‌دهد. این ترس از طرد شدن همواره در وجود هر یک از بابازارها و مامازارها وجود دارد.

”از یکی از مامازارها به نام لیلا در بندر لنگه پرسیدم چند باد داری، او گفت ۶ باد و مدتی است که توسط بادی دیگر تسخیر شده است. از او پرسیدم که باید برایتان مجلسی بگیرند. او در پاسخ گفت نه نه نمی‌خواهم برایم مجلس بگیرند، فعلاً نه. در آن زمان متوجه دلیل امتناع او از برگزاری مجلس نشدم. ولی به تدریج با مشاهدات عمیق و گوش دادن به حرف‌های آنها و گفتگو با آنها علت ترس مامازار را فهمیدم. او پس از بیست سال تجربه و به زیر کشیدن شش باد اکنون که بادی دیگر او را تسخیر کرده، آن چنان ترس و وحشتی او را فرا گرفته که می‌ترسد یک‌شبه همه‌چیزش را ببازد و طرد شود؛ بنابراین بابازارها و مامازارها و بیماران و همراهان، سیاه‌های و آفریقایی‌های بندری همه اسیر بادها هستند، اسیر ترس از بادها؛ ترس

از طرد شدن، ترس از رانده شدن و ترس از پیوستن به جرگه نفرین‌شدگان همیشه با آنها است. چه هول‌انگیز است زندگی در چنین فضایی و چه ترسناک است زندگی در کنار بادهایی که همیشه تو را در بردارند و تو را در چنگال خود محصور کرده‌اند و هیچ راه فراری وجود ندارد“ (مصاحبه انجام‌شده توسط نویسنده / بندر لنگه / اسفند ۱۳۹۱).

یکی از سؤال‌هایی که ذهن محقق را به خود مشغول می‌کند این است: چه علائمی در شخص تسخیرشده نمودار می‌شود؟ چگونه مردم متوجه می‌شوند که این فرد دچار باد شده است؟ بیماری جسمی و یا روحی که علائم مختلفی دارد. آنها چنین اظهار می‌کردند که اگر پس از مراجعه‌های متعدد پزشکان نتوانند او را درمان کنند، نزد بابازار و مامازار می‌روند و از او طلب کمک نمودند.

هدف از مراسم زار دعوت از باد است. در این مراسم زار با واژه‌هایی که توسط شخص تسخیرشده گفته می‌شود، خود را بیان می‌کند و در نهایت اتحاد و تفاهمی بین زار و شخص تسخیرشده به وجود می‌آید. در نوع دیگری از مراسم زار سعی می‌شود که به کمک شیوه‌هایی نیروهای ماورائی و غیرقابل رویت را از بدن شخص تسخیرشده (بیمار) بیرون بیاورند زیرا این نیروها موجب آسیب و آزار روحی فر می‌شوند؛ بنابراین مراسم می‌تواند برای اتحاد با باد باشد یا با هدف دفع باد برگزار شود باد تعیین‌کننده نوع مراسم و نیز تعیین‌کننده نوع ارتباط است.

باد و تنوع ابزار موسیقی، گیاهان معطر، زبان قومیت

همان‌طور که اشاره شد، ویژگی‌های باد تعیین‌کننده نوع مراسم، ابزار موسیقی، زبان اوراد، رنگ‌های مورد استفاده، حرکات‌های بیمار و بابازارها و مامازارهای حاضر در مجلس، نوع پذیرایی و نحوه اجرای مراسم است؛ مثلاً در مراسمی که نوع باد آن زار است، دف نواخته می‌شود، زیرا زار به این ساز علاقه‌مند است و سازهای کوبه‌ای برای باد زار در نظر گرفته می‌شود.

هر بادی از رایحه خاصی به شوق می‌آید. زار نیز عاشق کُندر است. برای این باد کندر می‌سوزانند و بوی معطر کندر تمام فضا را پر می‌کند، مریدان می‌گویند که زار عاشق عطر کندر است و نه هیچ گیاه دیگری. قومیت زار آفریقایی است بنابراین اوراد به یکی از زبان‌های آفریقایی و با صدای بلند در حین اجرای مراسم به همراه حرکاتی موزون توسط شخصی که از طریق زار تسخیر شده است، بیان می‌شود. در کتاب‌ها می‌خوانیم، باد آفریقایی به زبان آفریقایی و باد عرب به زبان عربی و باد دیگری که آفریقایی است و کهن‌سال و مذکر با صدای مرد کهن‌سال و به زبان آفریقایی اوراد را می‌خواند و حرف می‌زند.

”در هنگامه مجلسی در بندر لنگه بیمار مردی بود سی‌ساله، بسیار قوی با چهره‌ای

آفریقایی. مجلس برای او برپاشده بود. این مجلس توسط ۶ نوازنده که سازهای کوبه‌ای می‌نواختند اداره می‌شد و ۱۰ مامازار و ۸ بابازار نیز به منظور کمک برای به زیر کشیدن زار حضور داشتند. هر یک از آنها که بیش از پنج باد داشتند، می‌خواستند با به زیر کشیدن باد خود کمک کنند تا باد بیمار هم به زیر کشیده شود. داخل بخوردان موادی مانند عود، گشنه و هوم می‌سوخت. من کنار مامازار کهن سالی نشسته بودم که به سختی حرکت می‌کرد او زانو درد داشت. مرد دیگری که تقریباً ۵۵ سال داشت لباس سفید رنگ بلوچی بر تن داشت و در کنار مجلس ایستاده بود. بیشتر شبیه بندری‌های آفتاب‌سوخته بود تا بندری‌های آفریقایی. مجلس در دود عود و گشنه و در هیاهوی دهل‌های دو سر و سه سر و پایه‌بلند گم شد و من فراموش کردم که در کجا نشسته‌ام و در این مجلس چه باید بکنم. من فراموش کردم که باید مشاهده کنم. من فراموش کردم که باید هر از چند گاهی از اطرافیانم سؤال‌هایی در جهت تکمیل تحقیقم بپرسم. من فراموش کردم که برای تحقیق آمده‌ام و نه برای جذب و نه برای رسیدن به اوج جذب. بیش از ۵ ساعت بود که بدون وقفه موسیقی نواخته می‌شد. درست زیر گوش من. صدای دهل پایه‌بلند سه سر آن‌چنان قوی بود که من فراموش کردم چه کارهایی باید انجام دهم. این گونه بود که من در یک لحظه خود را رها کردم و تا مرز رسیدن به وجد رفتم. زمانی بود که تأثیر موسیقی تا به حدی بود که به شوق عجیبی رسیده بودم، لرزه بر تمام وجودم نشسته بود. در این لحظه متوجه شدم مامازار کهن‌سالی که در کنار من نشسته است و چندی پیش به زبان فارسی با من صحبت می‌کرد، اکنون به زبان غیرمحلی صحبت می‌کند. علاوه بر آن این مامازار کهن‌سال، با صدای کودکانه‌ای حرف می‌زد. در این زمان قفل وجد او باز شد و او به تدریج حرکاتش با نوای دهل هم‌خوانی پیدا می‌کرد. او با دست به زمین می‌کوفت و شروع کرد که به بدن خود حرکاتی بدهد. در حالت وجد هر حرکتی ممکن است. او که به سختی حرکت می‌کرد، اکنون چهار دست و پا روی زمین به طرف سفره حرکت کرد و تخم‌مرغ پخته‌ای را برداشت و به سوی یکی از بابازارها پرتاب کرد و در آن هنگام با صدایی همچون دختر بچه‌ای چهار پنج ساله به زبان آفریقایی جملاتی را ادا کرد. من سراپا محو تماشای او شده بودم. در آن هنگام متوجه شدم که همان مردی که لباس بلوچی سفیدرنگی بر تن داشت و بسیار موقر در گوشه‌ای ایستاده بود، رنگش پریده و حالت چشمانش غیرعادی شده بود. سرش را حرکت می‌داد و در این هنگام یکی از مامازارها بخوردان را جلوی بینی او گرفت و او روی زمین نشست و مانند بچه‌های شیطان با یک خیز به سمت سفره و با خیز دیگر به سمت زن کهن‌سالی که زارش بچه بود رفت و تعدادی تخم‌مرغ و خرما را به سرعت به سمت همان زن کهن‌سال پرتاب کرد. این دو با یکدیگر هم بازی شدند. می‌گفتند که یکی از زارهای این دو نفر کودک است که در این مجلس بیدار شده است. هر دو با

زبان آفریقایی کلماتی را می‌گفتند. حرکت آنها باعث خنده سایر بابازارها و مامازارهایی می‌شد که هنوز بادشان بیدار نشده بود. به گفته حاضران مجلس سنگینی بود که از ساعت شش عصر دیروز شروع شده بود و هنوز که ساعت چهار عصر روز بعد بود ادامه داشت و هنوز باد بیمار بلند نشده بود. بیم آن می‌رفت که هرگز بادش بلند نشود و جز طردشدگان به حساب آید. ولی پس از مدتی متوجه شدیم که بیمار شروع به حرکتی می‌کند و تمام بدنش می‌لرزید، بلافاصله بخوردان را زیر بینی او گرفتند و چادرشب سفیدی را روی او انداختند. حرکتش تندتر شد و سپس با چهار دست و پا روی زمین به حرکت درآمد. او خیس عرق شده بود و با لباس سفید بلند بلوچ‌پاش روی زمین به رقص درآمده بود. باد او اعلام دوستی می‌کرد و به زیر کشیده شده بود. لبخند رضایت را در چهره همراهانش می‌دیدم. حرکات مامازارها و بابازارها با لباس‌های سفید و الوان مرا به یاد امواج دریا می‌انداخت. دریای موج و خروشان که در آن کشتی‌ها بادبان‌های خود را بالا می‌کشیدند و حرکت می‌کردند. لباس‌های سفید بابازارها مانند امواج سفید دریا بود که کشتی را با خود به جلو می‌برد. بابازارها و مامازارها خود را به جلو و عقب می‌کشیدند گویی می‌خواهند از دست اربابان خود فرار کنند، اربابانی که آنها را برای بردگی به این سو آورده بودند. ترس بر چهره همه مستولی بود. ترس از غرق شدن کشتی، ترس از فروخته شدن، ترس از ارباب کج خل و بد خو و ترس از امواج دریا. صدای دهل دوسر و دهل پایه‌بلند در این لحظات در اوج خود بود. غذاهای سفره را میان جمعیت پخش کردند، باد اعلام دوستی می‌کرد و به زیر آمده بود. مجلس با خوشی پایان یافت. پس از آن به حیاط رفتیم، با قلیان از مهمان‌ها پذیرایی می‌شد. مامازارها پک‌های عمیقی به قلیان می‌زدند. من محسور این مراسم شده بودم. مراسمی را که بارها درباره آن خوانده بود ولی باور نداشتم و حالا در وسط معرکه قرار داشتم و تا مرز شیدایی فاصله‌ای نداشتم که به جذبه برسم“ (مصاحبه انجام‌شده توسط نویسنده / بندر لنگه / اسفند ۱۳۹۱).

هنگامی که زار در بدنی حلول می‌کند، دیگر نه شخصی، نه بدنی، نه دهانی، نه حرفی، نه حرکاتی و نه رقصی. همه زار می‌شود و در قالب زار بیان می‌شود. همه در قالب زار با ریشه آفریقایی، هندی، ایرانی و یا عربی خود را بیان می‌کنند. در میانه غوغای مراسم زار، شخص تسخیرشده توسط زار، به ناگهان با صدای ابزار کوبه‌ای مانند دهل و دف بلند می‌شود، او سر از پا نمی‌شناسند، او آرام آرام شروع به حرکاتی می‌کند. در این هنگام بابازار و مامازار می‌دانند که حرکات متعلق به زار وی است. در این لحظه روی سر او پارچه مخصوص همان زار را می‌اندازند و به زیر بینی او بخوردان می‌گیرند و او آن را استنشاق می‌کند. هنگامی که او را می‌بینی، او همچون اسبی است که شروع به حرکت می‌کند و بالا و پایین می‌رود و پای‌کوبان به میانه

مجلس می‌رود، بر زمین پای می‌کوبد و به چپ و راست می‌پیچد و تاب می‌خورد و سپس با زبان یکی از قبایل آفریقایی اورادی را با صدای بلند زمزمه می‌کند. این دیگر آن شخص تسخیرشده نیست، این خود زار آفریقایی است که زبان آفریقایی زبان مادری او است. این زار است که اوراد را می‌خواند، این زار است که می‌رقصد و این زار است که این چنین فعال و در میانه میدان ظاهر شده است. همانند اسبی می‌رقصد و این زار است که صدای زیر و بم‌ها و تند و کند شدن دهل و دف را با حرکات، با اشتیاق و با شور و شیفگی خود بیان می‌کند. دورینگ یکی از تجربه‌های خود در مجلس گواتی را چنین توصیف می‌کند:

”در انتهای مجلس همگی به یکدیگر سلام می‌دهند و گویی جهان همسانی را که شرکت‌کنندگان در آن کسان دیگری هستند، کشف کرده باشند، با آنها دست می‌دهند. شاید به این معنا باشد که آنها دیگر خودشان نیستند و اکنون این ”دیگری“ یعنی روح است که با دهان آنها صحبت می‌کند و با چشمان آنها می‌بیند. این گونه رفتار بیشتر در وجد خلیفه و اشخاصی با تجربه دیده شده است و نه در وجد مبتدی‌هایی که هنوز هیچ جایگاه خاصی ندارند. در این مرحله از آگاهی، آنها از مرز بحرانی که به حمله آغازین وجد مربوط می‌شود، گذشته‌اند و می‌توانند با دیگران به شیوه‌ای عادی ارتباط برقرار کنند“ (دورینگ، ۱۹۸۸: ۴۶)

باد مشایخ ریشه عربی دارد و مسلمان است. ابزار موسیقی مورد توجه آنها دف و گیه معطر مورد علاقه آنها جهت سوزاندن گشته است. در اوج خلسه اوراد را به زبان عربی بیان می‌شود.

نوبان یکی دیگر از انواع بادها است. این باد ریشه عربی دارد، مسلمان است و زبان تکلم او عربی است. ابزار موسیقی مورد استفاده تمبیره و منچور است و گیاهی که در طول مراسم می‌سوزانند گشت نام دارد.

بنابراین بادها هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند. تشخیص نوع باد از تخصص‌های رهبران مراسم است. آنها نوع باد را تشخیص می‌دهند و برای اجرا مراسم از آن نوع ابزار موسیقی و نیز گیاهانی استفاده می‌کنند که مورد توجه و نظر آن باد است.

یکی دیگر از نکات قابل تأکید مسئله تولید و تکثیر بادها است. بادها صاحب فرزند می‌شوند. جنوبی‌ها می‌گویند، همیشه باد جدیدی هست، باد پشت باد می‌آید و باز هم بادی دیگر در راه است که می‌آید. بادها دارای خانواده‌اند. از این رو بادها دارای فرزندان و نوادگان هستند. جنوبی‌ها معتقدند اگر بادی به درون شخص برود و او را تسخیر کند، این تسخیرشدگی تنها توسط یک باد نیست، بلکه شخص توسط یک گروه خانوادگی (فرزندان و نوادگان باد) تسخیر

شده است و رهایی از دست این تعداد باد که نسل‌اندرا نسل تکثیر می‌شوند، به سختی روی می‌دهد و گاه ناممکن است. بنابراین تسخیرشدگی نه تنها به صورت عمودی از طریق وابستگان و خویشان روی می‌دهد، بلکه به صورت افقی نیز تحت تأثیر وابستگان نسل‌های دورتر قرار می‌گیرد.

بادها، این موجودات نامرئی، گویا حضورشان از موجودات مرئی برای مریدان قابل مشاهده‌تر است تا موجودات مرئی. برای جنوبی‌ها بادها بر اساس ملاک‌های اجتماعی تفکیک می‌شوند. مذکر و مونث، مجرد و متأهل، والد و فرزند، دیگر خصوصیات قابل تفکیک باد عبارت هستند از: سیاه یا سفیدپوست، مهربان یا بدجنس، عصبی، عاقل، گروه‌های سنی مختلف و مذهب و قومیت.

هر مراسمی که در ارتباط با باد باشد، نام خاصی دارد. این نام‌ها در ارتباط با تفاوت میان انواع باد و به دنبال آن تنوع ابزار موسیقی، گیاهانی مورد استفاده و نیز مجموعه عوامل دیگر تعریف شده‌اند. از جمله در مراسم زار، بادهای زار و مشایخ حضور دارند. در مراسم آیین نوبان، باد نوبان حضور دارد و در مراسم آیینی که باد لیوا حضور دارد، نیروهای ماورائی در فضا وجود دارند که حضورشان را با پخش انرژی‌های شادی‌بخش تشخیص داده می‌شود. ارتباط جنوبی‌ها با بادها، با نیروهای ماورائی حیرت‌انگیز است. جهان مجازی ساخته‌شده و برگرفته از ساختار فرهنگی - اجتماعی آنها در مواردی بسیار غنی‌تر از جهان غیرمجازی و جهان قابل رویت است.

تعداد بادها

تعداد بادها بسیار است و نقطه نظرات متفاوتی در این زمینه وجود دارد. نکته مسلم این است که در مورد تعداد زارها اطلاعات دقیقی موجود نیست. جنوبی‌ها تعداد بادها را بسیار می‌دانند، آنها از ۷۲ زار یاد می‌کنند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۴۸). به دلیل اینکه فرهنگ غالب در ایران نه فرهنگ مکتوب و ثبت‌شده، بلکه فرهنگ شفاهی است که با نقل کردن و سینه به سینه گشتن دانش تداوم و رواج می‌یابد؛ منابع مکتوب در رابطه با انواع بادها، انواع مراسم آیین زار از دوران گذشته (تقریباً از قرن ۱۷ میلادی) بسیار نادر است، در نتیجه باید تعداد بادها را با کمی تأمل در نظر گرفت. عدد ۷۲ دارای بار قدسی است به همین دلیل باید با دقت و تأمل در مورد آن اندیشید. برخی از جنوبی‌ها می‌گویند که تعداد بادها به تعداد انسان‌ها است. بادها قدرت تولید و تکثیر دارند و اجداد و نوادگانی دارند و مشکل می‌توان تعداد حتی تقریبی آنها را به حساب آورد.

مکان بادها

بادها به گفته جنوبی‌ها همه‌جا هستند، در سرتاسر کره زمین، در سطح تمام آب‌ها و در اعماق آب، خصوصاً در نقاط مرطوب مانند حمام، کانال آب و خزینه‌های قدیمی. مریدان جنوبی زارها می‌گویند که بادها به برخی از انواع درخت‌ها علاقه خاصی دارند، آنها در اوج گرما دوست دارند

که در زیر سایه این درخت‌ها بیاسایند. برخی از درخت‌ها از این قرار هستند: کُنار، لور، شیریش و انجیر معابد.

رابطه باد با رنگ و اشیاء

مراسم بر اساس ویژگی‌های باد، تنظیم می‌شود، بر اساس باور جنوبی‌ها، بادهای تمام ویژگی‌های انسان را دارند: سلطه‌گری، خشم، مهربانی، دوستی و مجموعه‌ای از خصوصیات ذکر شده چون مذکر و مونث، قابلیت تکثیر و تولید، شجره‌النسب خانوادگی، قومیت، مذهب و زبان و نیز علائق و سلیقه‌هایی به انواع رایحه‌ها، رنگ، پارچه، پوشاک و نیز ابزار موسیقی. نشانه‌های بیماری یکی از شیوه‌های تشخیص نوع باد توسط بابازارها و مامازارها است. بنابراین مراسم آیینی زار در جنبه‌های ریتم موسیقی، ابزار موسیقی، رنگ‌ها و زبان اوراد بر اساس ویژگی‌های باد تعیین می‌شود. هر باد به رنگ ویژه‌ای تمایل دارد و در مراسم زار، بابازارها و مامازارها بر اساس تشخیص نوع باد از همان رنگ‌ها استفاده می‌کنند.

جنوبی‌ها بادهای را بر اساس خصوصیات اخلاقی نیز تقسیم‌بندی می‌کنند: باد کور، باد وحشی، باد ناخالص، باد ناآشنا. این خصوصیات سیال و روان و تغییرپذیر است. تغییر و تحول خصوصیات بادهای در رابطه با مراسم آیینی است. بادهای قبل از مراسم خصوصیتی دارند که قاعدتاً و باید در طی مراسم تغییر کند و این در رابطه مستقیم با فرایند درمان بیمار قرار دارد. در طی اجرا مراسم آیین زار که چندین ساعت و گاه چند روز طول می‌کشد، بادهای آرام می‌شوند، بادهای رام می‌شوند، بادهای به زیر کشیده می‌شوند، بادهای طرح دوستی می‌ریزند و حامی شخص دچار زار می‌شوند.

انسان‌ها در این فرهنگ موجودات آسیب‌پذیری هستند و در مقابل بادهای پدیده‌هایی نامرئی، تهاجمی، تحمیل‌گر، سلطه‌گر و آزاردهنده تعریف می‌شوند. در این شرایط انسان‌های آسیب‌پذیر مورد سلطه و اذیت و آزار بادهای قرار می‌گیرند. ”افراد نادری هستند که در مقابل بادهای تسخیرکننده و سلطه‌گر آسیب‌پذیر نباشند. مقایسه باد و انسان مانند مقایسه سلطه‌گر در مقابل ضعیف است“ (صفا، ۱۹۸۸: ۱۹۹). جنوبی‌ها می‌گویند بابازارها و مامازارها تنها کسانی هستند که می‌توانند بادهای را رام، آرام و فرمان‌بردار کنند. آنها بر روی بادهای قدرت دارند. قدرت بادهای در رابطه با باور و اعتقاد و مذهب آنها است. خطرناک‌ترین بادهای کافر و بی‌دین و بهترین آنها، بادهای مسلمان هستند.

نتیجه‌گیری

بادهای از نظر تسخیرشدگان بادهای، گرفتار شدگان به بادهای، بابازارها و مامازارها در جنوب، موجوداتی واقعی با خصوصیات انسانی هستند برخی از آنها دل‌سخت و برخی دل‌نازک، برخی

خشمگین و برخی دیگر شوخ‌طبع هستند. بابازارها و مامازارها آنها را خوب می‌شناسند و به نام می‌خوانند. بابازارها و مامازارها حتی رنگ‌های مورد علاقه، رایحه‌های مورد نظر و نیز ابزار مورد توجه آنها را خوب می‌شناسند و می‌دانند با چه نوای موسیقی می‌توان آنها را رام کرد و به زیر کشید، می‌توان آنها را به اوج خلسه برد و اورادی را بر زبان آنها جاری نمود.

یکی از دشوارترین ویژگی‌های بادهای نامرئی بودن است، آنها می‌توانند همه‌جا حضور داشته باشند. بادهای می‌توانند در وجود افراد بروند و در قالب آنها درآیند و تمام ذهن آنها را اشغال کنند. به گفته تسخیرشدگان باد، هر باد تاریخچه زندگی خود را دارد که از این طریق حوزه قدرت آنها مشخص می‌شود. قدرت باد در رابطه با تعداد افرادی است که توسط او تسخیر شده است و قدرت بابازار و مامازار نیز در رابطه با تعداد بادهایی است که در او نفوذ و آنها را تجربه کرده است.

ارتباط با باد از طریق موسیقی، رقص، رایحه، رنگ، قربانی کردن حیوان و نوشیدن خون قربانی میسر می‌شود. رابطه با باد در دو سوی طیف قرار می‌گیرد، یک‌سوی طیف رابطه مرید و مراد است که در این حالت شخص عاشق باد می‌شود و در وجود او غرق می‌شود، آن‌سوی دیگر طیف رابطه بر پایه ترس و وحشت است در این حالت فرد توسط باد تسخیر می‌شود و باد او را مطیع و فرمان‌بردار خود می‌کند. تسخیرشدگی به معنای سرسپردگی یا بی‌اختیاری و از دست دادن انتخاب است. در هر دو شکل فرد تسخیرشده ناگزیر از اطاعت محض است، اطاعت یا از روی عشق و یا اطاعت به دلیل ترس و سلطه‌گری. نکته این است که هرگاه بادی وارد بدن انسان می‌شود، برای او تجربه‌ای بازگشت‌ناپذیر است، زیرا که در نهایت پس از اجرا مراسم او برای همیشه یکی از افراد خانواده زار می‌شود. در این مورد او انتخابی ندارد، در واقع او انتخاب شده است که جزئی از خانواده زار گردد. زار هر ویژگی که داشته باشد تأثیری در انتخاب شخص ندارد؛ بنابراین ترس و اطاعت محض سبب تغییراتی در فرد می‌شود و این تغییرات منجر به شکل‌گیری بیماری‌های جسمی، روحی - روانی و جنون می‌شود. جهان تسخیرشده آنها جهانی است غیرقابل رویت؛ از این رو می‌گوییم جهانی است مجازی که بخش مهم و بزرگی از زندگی تسخیرشدگان را اشغال می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که باد عامل تفکیک میان دو قطب قوی و قطب ضعیف است. باد ابزاری برای این تفکیک است. اولین تفکیک در سطح جامعه شکل گرفته است. می‌گویند افراد بومی که گرفتار زار می‌شوند از بومیان سیاهان آفریقایی هستند که بنا بر روایتی از قرن ۱۷ به بعد همراه با تجار و برخی به عنوان برده با کشتی به ایران آورده شدند؛ بنابراین سیاهان آفریقایی اولین کسانی هستند که دچار باد می‌شوند. از سوی دیگر گفته می‌شود که زنان بیش از مردان دچار باد می‌شوند. همواره به این مسئله تأکید می‌کنند که بیشترین مشتریان درمانگران زنان و نه مردان هستند. این تصور و باور شکل می‌گیرد که زنان خرافی و کوتاه‌فکرند. این یکی از قوی‌ترین تفکیک‌هایی است که در حوزه‌های مختلف انجام می‌شود؛ بنابراین باد به

عنوان ابزار تفکیک میان زنان و مردان عمل می‌کند. از سوی دیگر گفته می‌شود که زار به سراغ کارگران، فقرا، کارگران دریا می‌رود و نه به سراغ متمولین و اربابان قدرت. این تفکیک بین فقیر و ثروتمند انجام می‌شود؛ بنابراین زار عامل تفکیک فقیر از غنی، مردان از زنان، شهر از روستا، ارباب از کارگر و سفیدپوست از سیاه‌پوست است.

این تفکیک در داخل زار نیز ادامه می‌یابد. زارهای خوب از زارهای بد شناخته می‌شوند. زارهای مسلمان از زارهای کافر قابل تشخیص هستند. این دوگانی و دوتائی تا به حدی است که می‌گویند برخی از زارها درمان‌پذیر و برخی دیگر غیرقابل درمان هستند. از جمله تفکیک‌های دیگر زار عامل سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. حضور زار افراد را به دو گروه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌کند؛ در نهایت زار ابزاری برای تفکیک جامعه به قوی‌تر و ضعیف‌تر است.

هر باد با ویژگی‌های خاص خود شناخته می‌شود و در نهایت آنچه در حافظه فرهنگی و تاریخی جنوبی‌ها جای دارد، باد یا زار به عنوان عامل تفکیک ارباب و برده است. ارباب‌ها، صاحبان عقل و منطق، صاحبان قدرت و دارای تفکری منطقی هستند، برده‌ها، افرادی سلطه‌پذیر و آسیب‌پذیر و دارای باورها و اعتقاداتی هستند که مربوط به زارها و بادهای می‌شود. از سوی دیگر، زنان، موجوداتی مطیع و فرمان‌بردار هستند که بادهای به آسانی به سمت آنها کشیده می‌شوند و در درون آنها مسکن می‌گیرند و در نهایت آنها را تسخیر می‌کنند. گفته می‌شود برخی از این زنان تسخیرشده عاشق باد یا زار شده‌اند و در این حالت قدرت عشق آنها را سرسپرده کرده است و برخی دیگر توسط باد یا زار آن‌چنان زبون و خوار شده‌اند که دیگر وجود ندارند و دیگر خودی وجود ندارد که جرات ابراز وجود داشته باشد. آن خودی که بتواند بگوید آن حرکات موزون و رقص و آواز و ادای کلماتی همچون ورد از خود او بوده است. دیگران می‌گویند که آن زن تسخیرشده دیگر وجود نداشت. هر حرکتی در طول مراسم که با نوای شوق برانگیز اجرا می‌شود و هر کسی را می‌تواند به حرکات موزون وادارد، در اینجا به بادی که در او حلول کرده نسبت داده می‌شود. تمام این شوریدگی‌ها نه از آن زنی است که به رقص درآمده است، بلکه از آن باد احتمالاً مذکر است و بابازار، زن را که ”نیست“ از چنگ بادی که در قالب این زن به رقصی می‌پردازد، نجات می‌دهد. در حالت وجد هر حرکتی مجاز است. مبدا گفته شود که این زن بوده است که با شیفتگی می‌رقصید و با سرمستی و با واژگانی از جنس عشق سخن می‌گفت. این تفکیک جنسی در حد بسیار زیادی مشخص‌کننده ویژگی فرهنگی است. زار ابزار تفکیک جامعه متمدن از جامعه ”ابتدائی“ است، داشتن زار یا باد نیز عامل تفکیک جنسی و از سوی دیگر عامل تفکیک سلطه‌گر از سلطه‌پذیر است. به جرات می‌توان ادعان نمود که تفکر تفکیک جوامع همواره و در شکل‌های گوناگون وجود دارد. انسان‌ها همواره ”خود“ برتر را از ”دیگری“ پایین‌تر جدا کنند. در اینجا حضور باد این امر را انجام می‌دهد.

پدیده زار اقوام سیاه‌پوست جنوب را از سایر افراد جدا می‌کند و وسیله تشخیص میان انسان متفکر و انسان خرافی است. باد یا زار عامل تفکیک جنسی، قومیتی، مذهبی و قدرت و سلطه‌گری است. زار مینیاتوری از ویژگی‌های غالب در جامعه است. سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در تمام سطوح وجود دارد. با نسبت دادن مجموعه‌ای از هویت‌های انسانی به زار، قدرت و سلطه‌گری در درون تقسیمات زار نیز شکل می‌گیرد. تحقیق پیرامون زار باید تا کشف و شناخت عمیق این پدیده جریان یابد.

منابع

- الیاده، میرچاد (۱۹۸۸)، *شم‌نسیسم، فنون کهن خلسه*، ترجمه محمد کاظم مهاجری، تهران: نشر ادیان.
- بلوکباشی، *دائرةالمعارف اسلامی بزرگ اسلامی*، جلد ۱۰، مقاله ۴۱۵۶
- جعفری، شهریار (۱۳۷۹)، *پتورک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- دورینگ ژان (۱۳۸۹)، *بادهای آفریقایی و جن‌های مسلمان*، ترجمه ناتالی چوبینه، فصل‌نامه موسیقی ماهور، شماره ۱۸، صص: ۵۷ - ۳۷.
- (۱۳۸۳)، *سنت و تحول در موسیقی ایران*، ترجمه سودابه فضایی، تهران: انتشارات توس.
- (۱۳۷۸)، *موسیقی و عرفان در سنت اهل حق*، ترجمه سودابه فضایی، اصفهان: نشر پرسش.
- ریاحی علی، (۱۳۵۶)، *زار و باد بلوچ*، تهران، ریاحی.
- ساعدی غلامحسین (۱۳۴۵)، *اهل هوا*، تهران: امیرکبیر.
- عارف‌پور آتیه (۱۳۸۷)، *بررسی انسان‌شناختی کیش باد انگاری (اهل هوا) مطالعه موردی شهر بندرعباس*، پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- During, Jean (1988a), *Emotion and trance. Musical Exorcisme in Baluchistan*, M. Coton and N. Siegel, ed. in *Cultural Panorama of Iranian Musical Expression*. Los Angeles: 36-46.
- (1988b), *Musique et extase, l'audition mystique dans la tradition soufi*. Paris: Albin Michel.
- (1989), *Musique et mystique dans la tradition de L'Iran*, Paris: IFRI – Peeters.
- (1992), *Baluchistan: musiqu d'extase et la guerison*. Paris: Ocora. C580017-18 (CD and booklet).
- (1995), *Grandeure et Misere de la Musique Balouch In Carnets De Voyage au Moyen - Orient, La Musique el Le Monde, Intenationales de L'Imaginaire*, Paris, pp: 114-144
- (2002), *Musique, Trance et Therapy in Baluchistan*, Garland Encyclopedia of world, Musiqu, The Middle East.
- (1993), *Article Sama dans L'Encyclopedia de L'Islam*, pp: 1-5
- (1989), *Le Mythe de Simorgh dans La Musique Extatique du Balouchistan*, Lugman, Ian Univesity, Press, PP: 21-38
- Maghsudi Manijeh (2013), *Two Indigenous Healing Methods among Tukmen of Iran Zarcone Thierry and Hobart Angela*, London: I.B.Tauris
- (2007), "The Native Women Healer in Turkmen Sahara in IRAN, and CAUCASUS", In *Journal of Woman in Culture Arts*, Vol. 1, PP: 59-78.
- (2005), *Various technique of women healer in Turkmen Sahara – in Iran In The second international conference in Traditional Medicine- Current situation and future status*, Mongolia, Ulaan Batar
- Safa Kaveh (1988), "Reading Saedi's Ahl-e Hava: Pattern and Significance in Spirit Possession Bsliefs on The South of Iran", In *Cultural Medecine and Psychiatry*, Berlin: Springer.
- Scheherazade Q. Hasan (1980), *Les Instruments de Musique en Iraq et leur Role dans la Societe Traditionelle*, Paris: mouton.

